



درمان های فوری (اورشانس)

«بُرءُ السَّاعَةِ»

حکیم محمد زکریای رازی

دکتر محمد دریایی

متخصص علوم زیرسی و گیاهان دارویی

www.ketab.ir

سرشناسه: رازی، محمد بن زکریا، ۲۵۱-۳۱۳ق

عنوان قرارداد: برء الساعه. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: درمان‌های فوری (اورژانس): برء الساعه / محمد زکریای رازی «ترجمه» محمد دریایی

مشخصات نشر: تهران: آرمان رشد، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۳۳-۲۰-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: فارسی - عربی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس و نمایه

عنوان دیگر: برء الساعه (علاج فوری)

موضوع: پزشکی اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴ - بیماری‌ها - درمان جایگزین

شناسه افزوده: دریایی، محمدرسلول، ۱۳۳۰، مترجم

ه‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۴۱۰۴۱/۲، ۱۲۸/۳ R

رده‌بندی دیویی: ۶۱۰/۹۱۷۶۷۱

شماره ثبت: ۴۰۷۲۳۱۱ ملی: ۴۰۷۲۳۱۱



درمان‌های فوری (اورژانس) (بء الساعه)

دکتر محمد دریایی

طراح جلد: بهاره آرون

نظارت و اجرا: امیر نوید

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۴

ویراستار: فاطمه مقدم

ناظر فنی: سحر عظیمی

شمارگان: ۵۰۰

نشانی: تهران، خ انقلاب، بین خ دانشگاه و خ ابوریحان، پلاک ۱۱۸۲، طبقه ۱۰

تلفن: ۶۶۴۸۶۰۱۳

info@armanroshd.com

www.armanroshd.com

قیمت: ۱۳۰٫۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

پیش گفتار: نگرش اسلام به تغذیه و طب	۵
مقدمه: نگاهی کوتاه به رازی و آثار او	۹
بخش یکم: <i>درء الماعه</i>	۳۹
باب یکم: سردرد	۴۱
باب دوم: درد تئقیه	۴۴
باب سوم: صرع	۴۵
باب چهارم: سرماخوردگی، ابرزس سی (زکام و نزله)	۴۶
باب پنجم: چشم درد	۴۹
باب ششم: دندان درد	۵۱
باب هفتم: کشیدن دندان	۵۳
باب هشتم: بوی بد دهان	۵۴
باب نهم: دیفتری حلق (خناق و ذبحه)	۵۵
باب دهم: چسبیدن زانو به دهان	۵۶
باب یازدهم: صدای گوش	۵۷
باب دوازدهم: خونریزی بینی	۵۸
باب سیزدهم: درد قولنج لیل اووسی	۶۳
باب چهاردهم: اسهال	۶۵
باب پانزدهم: اسهال معدی	۶۶
باب شانزدهم: بیرون زدگی مقعد	۶۷
باب هفدهم: بواسیر	۶۸

باب هجدهم: نواسیر (زخم فستول متعدد).....	۷۱
باب نوزدهم: درد کشاله ران (وجع ورک و عرق النساء) (درد کفل و درد سیاتیک).....	۷۲
باب بیستم: جرب (گال).....	۷۵
باب بیست و یکم: خارش دست و پا و سایر اعضا.....	۷۸
باب بیست و دوم: سوختگی با آتش.....	۷۹
باب بیست و سوم: فرد کتک خورده یا سقوط کرده.....	۸۱
باب بیست و چهارم: خستگی و کوفتگی در اثر پیاده روی، فعالیت سنگین و سوارکاری..	۸۲
باب بیست و پنجم: پیشگیری از سفید شدن موی سیاه.....	۸۳
باب بیست و ششم: از بین بردن موهای زاید بدن.....	۸۵
باب بیست و هفتم: برطرف کردن بوی بد عرق.....	۸۷
باب بیست و هشتم: رفع خستگی مفرط.....	۸۹
باب بیست و نهم: پیشگیری از مسمومیت.....	۹۲
باب سیام: درمان برخی از مسمومیتها.....	۹۴

بخش دوم: ملحقات.....	۱۰۱
پیوست (۱): پی نوشت ها.....	۱۰۳
پیوست (۲): شرح گیاهانی که در کتاب «برء الساعه» آمده است.....	۱۱۳
پیوست (۳): بعضی درمان های فوری که در کتاب «برء الساعه» ذکر نشده.....	۱۵۳
فهرست کامل مطالب.....	۱۶۳
نمایه.....	۱۷۰

نگرش اسلام به تغذیه و طب

از امام جعفر صادق (ع) پرسیدند: دستورات طبّی اسلام کدامند؟
 امام فرمودند: اسلام به دستورات سلامتی را در یک جمله خلاصه کرده است:
 «كلوا و اشربوا و اسرفوا»
 «بخورید و بیاشامید، ولی زیاده را روم نکنید».

در حدیثی دیگر نیز می‌فرمایند:

«المعدة بيت الداء».

«معهده کانون بیماری‌ها است».

اسلام با این احادیث، «اهمیت تغذیه» را در سلامتی مورد توجه خاص قرار می‌دهد. دانشمندان علوم تغذیه نیز همین نظر را دارند و تغذیه را عامل اعم از کمی و کیفی، کلیه سلامتی می‌دانند.

یکی از مهمترین عوامل کسالت‌آور، «پر خوری» است که در اسلام شدیداً نهی شده است.

«کم‌خوردن سبب سلامت بدن و صفای قلب می‌شود و پرخوری کسالت و قساوت قلب ایجاد می‌کند».

عادت بد و خطرناک پرخوری، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بهداشتی جوامع شهری ماست؛ به‌خصوص که بسیاری از افراد عادت به مکرر خوردن و مصرف غذاهای پرانرژی و سنگین دارند. بدن ما برای انجام فعالیت‌های فیزیولوژیک و کارهای فیزیکی نیاز به این همه غذا ندارد. زیاد خوردن و کم‌تحركی و مصرف غذاهای مضر مثل سرخ‌کردنی‌های زیاد، به‌خصوص با این روغن‌های معمول و مرسوم، مصرف نوشابه زیاد (ایران در مصرف نوشابه مقام اول جهان را دارد)، تنقلات زیاد (به‌ویژه تنقلاتی که در بین کودکان رایج است و جز ضرر هیچ خاصه دیگری ندارد)، نان‌های بدون سبوس و با خمیر نارس (و به اصطلاح «جانیفتاده»)، آرد بی‌سبوس و خمیری که روند ترش‌شدن و تخمیر را نگذرانده، برای سلامتی مضر است، به‌ویژه که خوری مقدار زیادی جوش شیرین باشد و فرصتی برای تخمیر نباشد)، مکرر خوردن و... همه از عوامل هستند که سلامتی جامعه را تهدید می‌کنند. بی‌دلیل نیست که تعداد زیادی از مردم ایران دچار ناراحتی‌های گوارشی هستند (به‌خصوص بدهضمی، ناراحتی معده و یبوست) و هرچه به‌علاج می‌کنند، بهبودی حاصل نمی‌شود. کم‌نیستند افرادی که سال‌هاست داروی معده مصرف می‌کنند و هنوز بیماراند؛ چون بدون ریشه‌کنی علت بیماری، معالجه و مصرف دارو بی‌ثمر است. ریشه این‌گونه بیماری‌ها تغذیه غلط است. مصرف نان‌های بی‌سبوس و ناسالم کنونی یکی از علل عمده شیوع کم‌خونی و یوکی استخوان است، که یک هشدار جدی بهداشتی است.

مثالی در بین اطباء و متخصصین تغذیه هست که می‌گویند: «پدر بیماری‌ها هرچه باشد، مادرشان تغذیه است». بنابراین در کمیت و کیفیت تغذیه باید کمال دقت را به عمل آورد.

از توصیه‌های دیگر طب اسلامی در غذاخوردن، نگاه‌کردن و دقت در غذاست:

قبل از خوردن هر چیز باید اول به آن خوب نگاه و دقت کنید. نگاه کردن سبب تحریک اشتها می شود و همه ارگان های مربوطه را آماده برای هضم و جذب و ترشح مواد و آنزیم های لازم می کند. چشم ها پس از رؤیت غذا، حس را به مغز می برند و مغز از طریق عصب واگ سیستم گوارش را تحریک می کند.

نگاه کردن به غذا علاوه بر تحریک اشتها و آماده کردن گوارش، فواید دیگری هم دارد: کیفیت غذا چگونه است؟ غذا از چه موادی ترکیب شده و برای تهیه آن چه نیروهای انسانی و طبیعی دست اندرکار بوده اند و خلقت چه هنری صرف تولید آن ها کرده است؟ این تأمل سبب پی بردن آدمی به عظمت خلقت و خالق می شود و آدمی را سپاسگزار می کند. همین امر سبب آرامش روحی و روانی می شود که لازمه یک تغذیه خوب است. این غذا از چه پولی تهیه شده است؟ آیا حلال است یا حرام؟ آیا سهمی از دیگران در این سفره غذا نیست؟ نکند با خشک کردن سفره دیده آن سفره ما رنگین و چرب شده است! این تفکر سبب می شود در هر وعده غذایی، انسان خود را رور کند و راه اعتدال و حلال را برای کسب معاش خود در پیش گیرد.

همه مواد غذایی را نباید با هم خورد، چون ممکن است زبان آور باشد؛ به طور مثال خوردن ماهی توأم با تخم مرغ، مشکلات یوستی و گوارشی ایجاد می کند. روش انمه نیز این بوده که در هر وعده غذایی فقط یک نوع غذا میل می فرمودند.

در «طب اسلامی» توصیه شده است بین وعده های غذایی چیزی نخورید و به سیستم گوارش خود استراحت بدهید. وعده های غذایی در طب اسلامی، صبحانه و شام است که زمان آن قبل از طلوع آفتاب و اول شب بعد از مغرب است.

از امام صادق (ع) در کتاب «مستند الشیعه» روایتی نقل شده است که می‌فرمایند:
 «برای سلامتی، هیچ چیز بدتر از پر خوری نیست و وعده‌های غذایی‌ات را صبحانه
 و شام قرار بده و بین آن‌ها چیزی نخور، چون در بدن تو فساد ایجاد می‌کند».

اکثر اطبا و حکمای طب سنتی نیز سه وعده غذا در طول شبانه‌روز را نمی‌پسندند.
 حداکثر دو وعده غذا در شبانه‌روز را توصیه می‌کنند و پس از تناول یک وعده غذایی
 سنگین، ترک وعده غذایی بعدی یا روزه یا مصرف مسهل را توصیه می‌کنند. مسهل‌های
 ساده مثل آلو، خاکشیر، گل سرخ، هلیله سیاه، برگ سنا، شیرۀ انگور و... را می‌توان نام برد.

از دستورات دیگر غذا خوردن، خوب جویدن غذا است که سبب می‌شود غذا
 هم خوب خرد و آسایا شود و هم خوب با بزاق که حاوی آنزیم‌های بسیاری
 برای هضم است، هضم شود (هضم مقدار زیادی از پلی‌ساکاریدها در
 دهان صورت می‌گیرد) و هضم آنها تسهیل شود و معده برای هضم بهتر
 آماده شود. حتی توصیه شد است که آب را جرعه جرعه بنوشید و دفعۀ
 و یک نفس آب ننوشید؛ و آمرزشای زنده و سازنده‌ای که سلامت افراد را
 در فرآیند یک حیات طیبه، تضمین نموده و تحقق می‌بخشد.

مستند در یابی

۱۳۹۱/۸/۱۱

نگاهی کوتاه به رازی و آثار او

رازی، اهل هری بود و در ایران، و به دور از جو سیاسی حاکم بر کانون خلافت بغداد، نشو و نما برد. پس از طی مدارج علمی در حرفه طب، وارد بغداد شد. او در آن جا یک تنه کرسی ریاضت بازن می‌آلش علم طب را، که تا آن وقت در اختیار طبیبان بیگانه غیرمسلمان قرار داشت با اقتدار هرچه تمام‌تر به دست گرفت. تألیفات این پزشک بزرگ بسی بیشتر از آن است که بتوان در این جا به همه آن اشاره نمود، اما به عنوان نمونه به برخی از مهمترین آثار علمی او از جمله «**کتاب الحاوی**» به طور اختصار اشاره می‌نمایم. این کتاب، که گفته می‌شود سالی خازنه بوده است، زیرا نسخه‌های آن با همدیگر اختلاف‌هایی دارد، یک **دائرة المعارف** بزرگ طبّی است که **رازی** دیگر زنده نماند، که این اثر عظیم را آن‌طور که خود می‌خواست تنظیم نهایی نماید. جای تعجب است که چنین تألیف مهمی در **علم طب** هم‌اکنون در کشور **دیف** آن، یعنی **ایران**، به طور کامل وجود ندارد، بلکه بخش‌هایی از آن در برخی از کتابخانه‌های **ایران** به شکل نسخ خطی موجود است و تنها در سال‌های اخیر فقط یک جلد آن به **فارسی** ترجمه و منتشر گردید. در حالی که طبق گفته **دکتر الگود**:

«**آثار طبّی رازی** در **دیف** مهمترین آثار مکتب پزشکی عرب قرار دارد. در میان آنها کتابی که از نظر اهمیت و فایده بر سایرین مقدم می‌باشد، **کتاب الحاوی** است. این کتاب هیچ‌گاه با متن کامل عربی به چاپ نرسیده ولی در زبان لاتین به

صورت نسخه‌ای که در سال ۱۲۷۹ [میلادی] توسط فرج بن سالم برای شارل (شاه آنژ) ترجمه و در ۱۴۸۶ در برژا چاپ شده، در دسترس است. بخش‌هایی از متن اصلی آن را در کتابخانه‌های مختلف می‌توان یافت که شاید روزی در آینده جمع‌آوری و تنظیم و چاپ شوند. این امر بسیار مطلوب و مورد نیاز است، زیرا محققان تاریخ عرب باید «کتاب حاوی» را حتی از «قانون» بوعلی سینا نیز مهم‌تر بدانند. برای پی بردن به تاریخ کامل و درک اهمیت نقشی که اعراب و ایرانیان در پیشرفت فن پزشکی ایفا کرده‌اند، دسترسی به متن کامل و اصلی این کتاب ضروری است.^۱

نکته‌های زبان اسلام و عدم مرزبندی جغرافیایی

تا مدت‌ها پس از ظهور اسلام و از آموزه‌های آسمانی آن، تعصبات قومی و نژادی و زبانی و مرزهای جغرافیایی در قلمرو اسلام و در بین مسلمانان، به آن شکلی که اکنون دیده می‌شود، وجود نداشت. و از طرفی؛ زبان عربی چون زبان قرآن و زبان این دین بود و عده زیادی از مسلمانان کشورهای مختلف با این زبان آشنا شده بودند، دانشمندان مسلمان غیرعرب زبان نیز برای استفاده هرچه بیشتر از تألیفاتشان سعی می‌کردند، آثار خود را تا آنجا که ممکن است به زبان عربی — که زبان بین‌المللی قلمرو مشترک مسلمانان بود — بنویسند. از جمله زکریای رازی دانشمند و پزشک ایرانی تمام آثار پزشکی خود را به عربی نگاشته است. اما بوعلی سینا، طبیب بزرگ دیگر ایرانی، علاوه بر تألیف بیشتر آثار خود به عربی، گاهی از زبان فارسی نیز استفاده نموده است. اما نکته مهم، این که مستشرقین غربی با وجود آن که خوب می‌دانند که چرا این آثار عموماً به عربی است، و این که مؤلفین آن از مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی، و بیشتر از ایران و فارس‌زبان

۱- تاریخ پزشکی ایران، ص ۲۲۹

بوده‌اند، به علت حساسیت شدیدی که نسبت به دین اسلام دارند — که برای یک محقق تاریخ و فرهنگ اسلام بسیار نکوهنده و نشانهٔ تعصب و پیش‌داوری است — عموماً تاریخ تمدن اسلام را تاریخ تمدن عرب؛ تاریخ طب اسلام را تاریخ طب عرب؛ علوم مسلمانان را علوم عرب و... می‌نامند! به این جریان‌های سیاسی و زیرکی‌های موبذیان و تفرقه‌افکنانه و هدفمند که پشت آن، اندیشه‌های فراماسونری، صهیونیستی و استعماری وجود دارد، اشاره خواهیم نمود.

بی‌گمان، کتاب الحاوی موجود در کتابخانهٔ اسکوریال اسپانیا تقریباً از کامل‌ترین نسخه‌های حامی در دنیا می‌باشد^۱ و بدین ترتیب غربی‌ها در ترجمه، چاپ و نگهداری متن اصلی این کتاب بیشتر از وارثین اصلی آن، یعنی مسلمان‌ها، کوشا بوده‌اند و به همین دلیل نیز توانستند پس از دوران طولانی قرون وسطای خویش، با گنجینهٔ عظیم دانش مسلمانان، مدرن امروز خود را سازماندهی و بنا نمایند؛ و به رغم آن که بر خوان گستردهٔ مسلمین بسته و از فرهنگ پر بار آن بهره‌های فراوانی برده‌اند، قدرناتسناسی بلکه نمک‌نشناسی را بشهٔ خود ساخته‌اند و به اساتید مسلمان بخل و حسد می‌ورزند.

آثار و نقش رازی طب

رازی بر خلاف پزشکان غیرمسلمان دربار خلفا، که علاوه بر حاکمان و اقدار ویژه، هرکدام دارای ثروت‌های هنگفت و افسانه‌ای شدند که در تاریخ هر کس ثبت شده است، زندگی بسیار ساده‌ای داشت. وقت او صرف درمان بیماران مختلف از طبقات عادی مردم، و یا آموزش طب به علاقه‌مندان این علم و تألیف کتاب‌های پزشکی می‌گردید.

رازی از آن دسته از اطباء بود که به تمام معنی طبیب بود و بس و جز خدمت به

۱- ترجمهٔ قصص و حکایات المرضی، ص ۱۰۵

خلق خدا، کاری انجام نمی‌داد. تمام عمر، تهی دست بود. با آن که قریب دویست و هفتاد و پنج اثر و تألیف از خود به یادگار گذارد، کسی در دوران و پس از مرگش ثروت و اندوخته‌ای برایش سراغ ننموده است... معروف است که رازی عیالش را طلاق داد ولی به واسطه دست‌تنگی نتوانست مهریه وی را بپردازد.^۱

رازی، طبیبی حاذق و دانشمندی پرکار بود. او خود می‌گوید:

«در تألیف حاوی، پانزده سال شب و روز کار می‌کردم تا آن که چشمانم ضعیف و یکی از مضامین دستم خشک شد و از کار افتاد. با این حال تا آنجا که مقدور بود، از خریدن و نوشتن دست برنمی‌داشتم و پیوسته به افرادی متوسل می‌شدم، که برایم کتاب بخارند، تا نداشت‌های مرا بنویسند».^۲

از تألیفات مهم دیگر رازی کتاب «الجدری و الحصیه» (آبله و سرخک) است. رازی در کتاب خود برای اولین مرتبه در تاریخ طب تشخیص افتراقی آبله و سرخک را داده است و در باب آبله نیز دو قسم بیماری مطرح می‌کند؛ یکی آبله حقیقی و دیگری آبله مرغان.^۳ این کتاب، تحقیقاً بر اساس کتاب و ملاحظات تشخیص طبیبی - تجربی است، که بیمار را عمیقاً معاینه نموده که نتیجه تجرب بسیار پژوهشی و دانشمندی او می‌باشد. این کتاب اولین اثر پژوهشی دقیقی است که ما درباره بیماری‌های عفونی می‌بینیم.^۴

به طور خلاصه کتاب «الجدری و الحصیه...» چه از نظر میزان علائم و تشخیص کلینیکی و چه درمان، در مقام خود بزرگترین کتاب تألیفی رازی است که تا قرن هفدهم میلادی درباره این دو بیماری نگاشته و در عرصه داده‌ها و اطلاعات جدید و معاصر تغییر

۱- تاریخ طب در ایران، ص ۲۱

۲- محمد زکریای رازی، ص ۱۷۳

۳- ترجمه قصص و حکایات المرضی، ص ۳۵

۴ ترجمه کتاب الجدری و الحصیه، ص ۶ مقدمه

بزرگی در باب شناسایی و اطلاع به این دو بیماری داده نشده است. بدین مناسبت علمای تاریخ طب برای این کتاب در تاریخ اپیدمیولوژی^۱ مقام ارجمند و ارزنده قابل می‌باشند.^۲ دیگر از آثار رازی، تحقیقات او درباره طب کودکان است، به طوری که دکتر الگود گاهی او را «پدر طب کودکان»^۳ می‌خواند، و جای دیگر می‌نویسد:

«ایرانی‌ها را باید با توجه به نوشته‌های رازی، بنیان‌گذار طب کودکان در جهان دانست».^۴

او همچنین می‌گوید:

«به نظر بسیاری از کسانی که در تاریخ پزشکی تحقیقاتی دارند، ایرانیان مبتکر و مخترع کج شک هستند...»

در نوشته‌های رازی مطالبی که خیلی نزدیک به این موضوع است دیده می‌شود. رازی می‌گوید:

«بهتر است عضو شکسته را با پارچه‌ای که در محلول آهک و سفیده تخم مرغ فرو برده شده باشد ببندیم... یک چنین پارچه‌ای مثل سنگ سفت می‌گردد و نیازی به باز کردن آن تا بهبودی استخوان شکسته وجود ندارد»^۵

رازی برای آن که حتی مردم عادی نیز بتوانند از آن‌ها بهره علمی او بهره گیرند، کتابی به نام «من لایحضره الطیب» تألیف نموده که شبیه کتاب‌های مدرسی «پزشک خود باشید» یا «پزشکی برای همه» می‌باشد. او خود در علت نگارش این کتاب می‌گوید:

۱ Epidemiology

۲ ترجمه قصص و حکایات المرضى، ص ۳۷

۳- تاریخ پزشکی ایران، ص ۲۳۲

۴ طب در دوره صفویه، ص ۳۱۴

۵ همان، ص ۱۷۰

«مردی بزرگوار و دانشمند و خیرخواه تقاضا کرد که مقاله‌ای مختصر راجع به معالجه بیماری‌ها با خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های شایع و مورد شناخت مردم که در دسترس همگان اعم از خانه، آشپزخانه، خوراک‌پزی‌ها (رستوران‌ها)، بازارها، دهات و دکه‌ها قرار دارد، بنویسم و در بعضی موارد که مجبور به ذکر نام دارویی شوم که برای معالجه بعضی بیماری‌ها به وسیله پزشکان در کتب خویش مفصلاً از آن‌ها نام برده‌اند، در این جا به صورت ساده معرفی نمایم تا امکان استفاده و کاربرد آنها برای بیشتر مردم در بیشتر موارد فراهم شود. بنابر تقاضای شخص مذکور این مقاله را چنین کرده...»

بی‌گمان، تألیفات رازی در علم طب وسیع‌تر و مهم‌تر از آن است که بتوان در این مختصر بیش از این نوشت.

شهرت رازی در علم طب و کتب‌های فراوانی که وی تألیف نموده، باعث شد که آیندگان کمتر به کتاب‌های پزشکی بعضی دیگری که در قرن سوم و چهارم به نگارش درآمده، توجه کنند، در حالی که برخی از این مؤلفان، خود از علمای بزرگ و فقیهان به‌نام جهان تشیع بوده‌اند؛ بزرگانی همچون ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، بزرگ اهل قم و پدر بزرگوار شیخ صدوق (متوفای ۳۳۹ ه.ق.) و مؤلف: کتاب الطب، و عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع ختیمی (مؤلف قرب‌الاسناد) و بزرگ قمی‌ها و مؤلف کتاب الطب، و همچنین شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) که مؤلف نوادر الطب بوده است.

نیز، کتاب‌های دیگری که توسط دانشمندان و طبیبان شیعه در این عصر به نگارش درآمده بیانگر نقش اصلی آنان در توسعه علوم، از جمله علم طب، در تمدن اسلامی و بی‌نیاز نمودن مسلمانان از بیگانگان می‌باشد. برخی دیگر از این تألیفات عبارتند از: «کتاب الادویه» و «کتاب الطب» از احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن دؤل قمی، مؤلف

یکصد کتاب و متوفای سال ۳۵۰ ه.ق.، «کتاب فی علم المزاج» از ابونصر فارابی متوفای سال ۳۳۹ ه.ق.، «الکناش» از ابوالحسن احمد بن محمد طبرسی، در ده مقاله که مقاله دهم درباره بیماری‌های چشم است، «رسالة فی ذکر القارورة» از ابوالحسن احمد بن محمد بن یحیی طبری ترنجی (که تا سال ۳۵۷ ه.ق. زنده بوده است)، و غیره، که برای اطلاعات بیشتر باید به کتاب‌شناسی «الذریعه» مراجعه فرمایید.

دانشوران شیعه و مسلمان در رساله‌ها و کتاب‌های خود به نسخه‌ها و فرمول‌هایی اشاره می‌کنند که حاکی از اکتشافات و اختراعات خارق‌العاده آنها در مسائل طبی، مکانیک، شیمی، فیزیک، آناتومی، فیزیولوژی و علوم تجربی دیگر مانند بیونیک، سیالات، مایعات، گازها، جامدات، علوم طبیعی و نجوم و ریاضیات می‌باشد که متأسفانه غربی‌ها یا آنها را سرقت علمی کرده و به نام خود ثبت کرده‌اند، و یا دست به انکار و نفی حقایق زده تا بود را ر عرصه‌های گوناگون شاخص و برجسته نشان دهند. در مقاله پی‌آمده، نمونه‌ای از صد نمونه این گونه ابداعات علمی را یادآور می‌شوم، تا پژوهندگان اهمیت و ارزش شخصیت‌ها و فره‌ختگان خود را دریابند.

بازگشت به هیت اسلامی و احیای طب سنتی

رازی؛ ابداع کننده و مخترع واکسیناسیون

محمد زکریای رازی، پزشک نامدار و فیلسوف بزرگ ایرانی، به روایت ابوریحان بیرونی — که کتاب مستقلی درباره آثار و تالیفات وی نوشته است — زاده بن زمان خود استاد بوده و درباره همه آنها کتاب نوشته است. به عقیده دکتر محمود نجم‌آبادی؛ شمار آثار رازی تا دویست و هفتاد و یک اثر احصاء گردیده است که ۱۸ جلد آن فقط مربوط به پزشکی است. که از سال ۱۲۷۹ میلادی (حدود ۷۴۰ سال پیش) در اروپا به مدت ۴۰۰ سال در نزد دانشمندان فن، حجت بلامعارض بود. از جمله؛ کتاب «جدری و حصبه» که

در اروپا به عنوان کتاب *طاعونی رازی*^۱ بین سال‌های ۱۴۹۸ و ۱۸۶۶، چهل بار در اروپا چاپ و تدریس گردیده است. *رازی* در فصل پنجم کتاب *جدری و حصبه* (چاپ دانشگاه تهران صفحه ۴۸) آورده است:

«در اختراز از آبله، قبل از ظهور، و جلوگیری از ازدیاد آن بعد از بروز، مقتضی است کودکان و نوباوگان و جوانان را که آبله در نیاورده و یا آن که آبله ضعیف (آبله مرغان) گرفته‌اند، مخصوصاً در مواقع و فصول آبله (بهار و تابستان) و همچنین کسانی که مزاج آنها مستعد قبول آبله است *فصد* نمایند، و کودکان کمتر از چهارده سال را *حجامت* نمایند و مکان آنان را خنک نموده و غذاهای آنها را باید از غذاهای خنک انتخاب نمایند».

و در صفحه ۳، او، می‌افزاید:

«اما شیرخواران متجانس از پنج ماه که بدن آنها تر و تازه و سفید و سرخ باشد، باید *حجامتشان* نمود».

نکته جالب و قابل توجه این که *فصد و حجامت*، (مخصوصاً *حجامت*، چون مخصوص اطفال است)، ضمن این که سبب افزایش قدرت دفاعی و ایمنی می‌گردد و پیشگیر آبله و دیگر امراض خونی است، در صورت ابتلا به بیماری، همان ابزار پیشگیری (فصد و *حجامت*) به عنوان ابزار درمان، مورد استفاده قرار می‌گیرد. و این خاصیت فقط مربوط به آموزه‌هایی است که از طریق وحی به انسان رسیده است. در حالی که داروها و واکنش‌های ساخت بشر در جهت همان یک هدف خاص عمل می‌نمایند.

دکتر نجم‌آبادی در رابطه با بیماری آبله، در پایان کتاب «*جدری و حصبه*»، از کتاب *خلاصة التجارب* تألیف پزشک دانشمند قرن نهم هجری به نام *بهاءالدوله* یاد می‌کند — که حدود ۷۰۰ سال بعد از *زکریای رازی* می‌زیسته — و می‌نویسد:

1. Rhazaede pestiant

«بهاءالدوله در کتاب مهم طبی خود در درمان آبله و سرخک، عیناً نظرات رازی را نقل نموده و در خاتمه کتاب، نتیجه تحقیق و کشف خود به غیر از فصد و حجامت را به این شرح اعلام می‌نماید:

و اندرین ملک خشک، ریشه‌های آبله را با نبات سوده (کوبیده)، و اگر بخورند اطفال را تندرست می‌کنند و آفت هوای عفن مولد آبله را از ایشان بازمی‌دارد و اگر آبله برآوردند اندک و کم مضرت می‌باشد».

این پدیده آبله‌کوبی در سال ۱۵۰۷ میلادی توسط طبیب مسلمان بهاءالدوله اعلام می‌گردد. هجدهمین شیوه که بعدها در غرب به نام واکسن شهرت یافت توسط ادوارد جنر در سال ۱۷۹۶ سه قرن پس از بهاءالدوله اعلام، و کشف واکسن به نام اروپاییان در تاریخ معاصر به ثبت می‌رسد! و این یک نمونه از سرقت‌های علمی و حرفه‌ای مستمر و دائمی غربی‌هاست. از استعمارگران انتظاری جز خیانت، دروغ، تزویر و غارت منابع مادی و معنوی مسلمین نمی‌باشد. تأسیس و تعجب از وزارت بهداشت جمهوری اسلامی است که پس از ۳۵ سال از انقلاب اسلامی هنوز این وزارتخانه روش‌های درمانی مصرفی بیگانگان را به دانشجویان ما می‌آموزد و سیل داروهای شیمیایی را برای ما به ارمان می‌آورد و یا بسیاری از داروهای شیمیایی را بر روی ما آزمایش می‌کنند و این همان «طب استعماری» است که حضرت امام خمینی (ره) در «رساله نوین فقهی پزشکی» جلد ۲ صفحه ۱۸ فرمودند:

«غرب همه چیز استعماری دارد: طب استعماری، فرهنگ استعماری، برای کشورهای عقب افتاده صادر می‌کنند. آنها می‌خواهند ما وابسته باشیم و چیزهایی که به ما می‌دهند وابستگی می‌آورد. اگر می‌خواهید رشد حقیقی پیدا کنید و مستقل شوید اول این وابستگی فکری و قلبی را کنار بگذارید».

نیز امام خمینی (ره) در کتاب «کشف‌الاسرار» درباره طب غربی فرمودند:

«امروز در تمام کشور ایران که به قول شما، دانشگاهی مانند جندی شاپور داشته، یک نفر که قانون بوعلی را بفهمد معلوم نیست که باشد و این ضربتی است که این کشور از دست اجانب به وسیله زمامداران بی‌خرد خورد.

یکی از دکترهای امروزی می‌گفت بر ما ثابت شده که کاری از طب غربی جز جراحی برنمی‌آید و داروهای غربی معالج نیست، بلکه مسکنی است که ما به کار می‌بریم و انتظار آن داریم که مرض، دوره خود را طی کند و یا به خوبی یا به هلاکت منجر شود. گفتیم چرا دکترها این مطلب را به مردم نمی‌گویند، گفت کسی که قدرت این گفتار را ندارد، اگر کسی از طب غربی و یا شیوه زندگی غربی انتقاد کند مورد هو و جنجال واقع شده، منزوی می‌گردد.

همه شنیدید در زمان صدی رضاخان همین شاه کنونی به تیفوئید مبتلا شد، در وقتی که تمام دکترویی در به اول کشور از درمان او مأیوس شدند، طبیب طالقانی با دستور طب قدیم، او را معالجه کرد. خوب بود با چنین امتحانی رضاخان یا زمامداران آن روز به فکر این بیفتند که طب کشور خود ما نیز باید دست کم در حساب بیاید، لکن به قدری زمامداران را که در مقابل غرب باختند و با تمام توان، با حس و هوش خود مبارزه می‌کنند که ما را برخلاف غرب سخنی بگویند.

در همین رابطه، شهید مظلوم دکتر بهشتی در ۱۳۵۹ هـ. ش در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران اعلام نمودند:

«دوستان عزیزم! چرا جهت معالجات امراض از گیاهان دارویر در طریقه استفاده از ادویه‌جات مورد استفاده ما ایرانی‌ها قرار نگرفته است؟ چرا وزارت بهداشت و دست‌اندرکاران تا به حال در گسترش و احیای طب سنتی و گیاه‌درمانی قدمی برنداشته‌اند؟ چرا ما ایرانی‌ها با داشتن گنجینه‌های طبی، همیشه باید در چنگال داروهای خارجی اسیر و عاجز باشیم؟ چرا بعضی از داروهای فرنگی در ایران بازار سیاه پیدا کرده و تا چندصد برابر قیمت اصلی به فروش می‌رسد؟ آیا خودمان مقصر

هستیم که زیر بار داروهای گیاهی نرفته‌ایم یا داروهای فرنگی در علاج امراض، معجزه‌گر بوده‌اند...؟ آیا تبلیغات و زرق و برق داروهای فرنگی ما را به طرف خود کشیده یا داروهای گیاهی را مصرف نموده‌ایم و نتیجه نگرفته‌ایم...؟ بله... این چراها وقتی جوابش داده خواهد شد که انشاءالله در رأس این امر، یک ایرانی باهمت و معتقد قرار گیرد».

و در همین رابطه، مقام معظم رهبری در میان جمعی از پزشکان فرمودند:

«ما که این سینا را داشتیم هنوز که هنوز است کتابش یک مرجع درسی و مهم پزشکی در دانشگاه‌های دنیاست، یا رازی را داشتیم یا دیگرانی از این قبیل را، چرا بایستی امروز به خودکفایی علمی کشور امید نیندیم؟ من در چند سال قبل، اوایل انقلاب، سال ۱۳۵۹ بود یک سفری با یک هیئتی به هند رفته بودم. آنجا مأمورین وزارت خارجه به ما اطلاع دادند که یک «بیمارستان گیاه‌درمانی» وجود دارد. من خیلی علاقه‌مند شدم که آنجا را ببینم و رفتم، دیدم از نزدیک، بیمارستان بسیار وسیع و مفصلی بود، اسم فارسی هم، «بیمارستان گیاه‌درمانی» بود. با این که هند بود. در دهلی‌نو مرکز شهر بود و در استان‌های مختلفی از هند شعبه داشت که این فقط یک بیمارستان نبود، هم بیمارستان بود و هم مرکز تحقیقات، بلکه یک دانشکده بود که تدریس در آنجا می‌شد. ما در آنجا کارهای گیاه‌درمانی را دیدیم. بنده آنجا به ذهنم آمد که می‌بایستی «گیاه‌درمانی» را در ایران پیگیری کنیم، وقتی از هند به ایران آمدم با مسئولین آن وقت صحبت کردم راجع به آنها قول گرفتم که به طور قطعی، دنبال این قضیه باشم، ولی اقدامی نکردم...».

اکنون این سؤال از وزارت محترم بهداشت مطرح است که آیا نباید این خواسته به حق و احیای طب اسلامی تحقق یابد؟ آیا می‌دانید که در پاکستان وزارت طب سنتی دایر است و در هند و چین هر دو مکتب طب سنتی و طب غربی دایر است؟

آیا تحقیقی جامع در رابطه با حجامت انجام شده است؟ آیا مقایسه‌ای انجام شد بین حجامت و واکسیناسیون که حجامت مؤثرتر از واکسیناسیون نبوده که واکسیناسیون اجباری گردیده است؟

به رغم دستور ریاست جمهوری وقت نسبت به شروع تحقیقات حجامت، پس از چهار سال معاونت پژوهشی جواب شرم‌آوری از روی چهل و ناآگاهی به رییس جمهور وقت دادند که:

«با توجه به این که حجامت در کتب و مراجع خارجی نیامده و در ایران نیز مطالعات کاربردی اصولی انجام نشده (پس از چهار سال) هنوز مدارکی نداریم که این روش در چه بیماری‌هایی ارزش درمانی و کاربردی دارد، همین طور نوع، محل و حتی زمان حجامت در دست افدام، بلامانع است»!!

شرم‌آور و مضحک است! آقای دکتر معاون پژوهشی وزیر بهداشت، حجامت را که ریشه در وحی و فرمایشات رسول اکرم ﷺ دارد، در کتب و مراجع خارجی جستجو می‌نماید! جالب‌تر این که در سال ۱۳۷۱ معاونت بهداشتی به وزیر طی نامه‌ای اطلاع می‌دهد که تحقیقات حجامت در بیمارستان بوعلی شروع شده است، ولی سه سال بعد منکر هرگونه تحقیقاتی می‌شوند!

متأسفانه به گفتار خلاف واقع نیز قانع نشدند و با تمهیدات مخدانه‌ای مرکز تحقیقات حجامت بیمارستان بوعلی را تعطیل و از انتشار نتیجه تحقیقات جلوگیری نمودند، ولی چون بیمارستان لقمان حکیم به موقع گزارش تحقیقاتی خود، تحت عنوان مقایسه خون وریدی و خون حاصل از حجامت را اول تحویل دادستانی(!) و سپس تحویل وزارت بهداشت نمودند، وزارت مذکور با توطئه سکوت با نتیجه تحقیقات بیمارستان لقمان برخورد نمود، زیرا نه نتیجه آن را اعلام و نه تأیید کرد و نه مرکز تحقیقات حجامت بیمارستان لقمان را تعطیل نمود و نه بودجه تحقیقاتی در اختیار آن قرار داد تا تحقیقات لازم صورت پذیرد و هنوز این مرکز فقط حجامت می‌نماید.